

برآوردهای حمایت از بخش کشاورزی (PSE) در کشورهای در حال توسعه :

مشکلات اندازه‌گیری و رهیافتها برای ایران

کد مقاله (PD289)

علی کیانی‌راد

استادیار و عضو هیئت علمی موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی ، وزارت جهاد کشاورزی

akianirad@gmail.com

چکیده

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ، دولتها برای حمایت از بخش کشاورزی و دستیابی به اهداف سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی شامل تثبیت قیمتها و یا خودکفائی در تولید مواد غذایی ، به جای در نظر گرفتن مبلغی به عنوان حمایت از بخش کشاورزی در بودجه‌های خود ، تا حد زیادی به سیاستهای قیمتی از قبیل حمایت‌های مرزی و پرداخت یارانه برای نهاده‌ها و محصولات متکی می‌باشند . ارزیابی آثار این قبیل سیاستهای قیمتی از این جهت حائز اهمیت است که برای سیاست‌گذار مشخص می‌نماید ، آیا بخش کشاورزی مورد حمایت قرار گرفته و یا عدم حمایت از بخش صورت پذیرفته‌است ؟ . این جنبه از برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) از لحاظ مفهومی ساده اما از لحاظ برآورد بویژه در کشورهای در حال توسعه بسیار مشکل است .

کشورهای در حال توسعه معمولاً با نرخهای بالاتر حمل‌ونقل و هزینه‌های بندری برای واردات و صادرات کالاهای خود نسبت به کشورهای توسعه یافته مواجه می‌باشند . همچنین هزینه‌های مبادلاتی داخلی همانند هزینه‌های حمل داخلی و یا هزینه‌های فرآوری محصولات نیز بطور معمول در این کشورها بیش از کشورهای توسعه یافته می‌باشد . جدا نمودن آثار این عوامل ساختاری بر روی تولیدکنندگان بخش کشاورزی از آثار سیاستهای کشاورزی در این کشورها ، نیازمند دستیابی به اطلاعات بسیار گسترده و همچنین قضاوت دقیق در خصوص فرضیات در نظر گرفته شده جهت محاسبه شاخص حمایت از تولیدکننده میباشد .

این مقاله تلاش نموده است تا ضمن توضیح در خصوص شاخص بیان‌کننده میزان حمایت و یا عدم حمایت از بخش کشاورزی (PSE) ، به بررسی مسائل و مشکلات محاسبه این شاخص در کشورهای در حال توسعه و بویژه ایران و راه‌حلهای پیشنهادی جهت واقعی نمودن این شاخص و روشن‌تر نمودن تصویر واقعی حمایت از بخش کشاورزی برای سیاست‌گذاران و مجریان بخش کشاورزی بپردازد .

کلید واژه‌ها : حمایت ، شاخص حمایت از تولیدکننده ، بخش کشاورزی ، مشکلات

شاخصهای مختلفی را جهت تعیین حمایت از بخش کشاورزی و به عبارت بهتر تعیین این مسئله که به بخش کشاورزی یارانه پرداخت می‌گردد و یا از آن مالیات پنهان (چون در کشور ما مالیات مستقیم از بخش کشاورزی اخذ نمی‌گردد) گرفته می‌شود می‌توان محاسبه نمود که این شاخصها می‌تواند برای هر کدام از محصولات تولیدی بخش بطور مجزا و یا برای کل بخش کشاورزی محاسبه گردد. برخلاف معیار تجمعی حمایت¹ (AMS) که حمایتها برای هر محصول بر اساس موافقتنامه دور اورو گونه اندازه گیری و طبقه بندی می‌گردند، شاخص حمایت از تولیدکننده² (PSE) یک معیار گسترده از حمایت از تولیدکننده بخش کشاورزی و به عبارت دیگر پرداختهای انتقالی به تولیدکنندگان بخش کشاورزی از طریق حمایتهای مرزی و مداخلات دولت در بازار داخلی محصولات از طریق سیاستهای حمایتی مربوطه می‌باشد (Mullen et al., 2004). این شاخص توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی³ (OECD) تعریف و محاسبه گردید. این سازمان شاخص PSE را بعنوان «یک شاخص از ارزش پولی سالانه پرداختهای انتقالی ناخالص از مصرف کنندگان و پرداخت کنندگان مالیات به تولیدکنندگان بخش کشاورزی - که در سطح سرزمین اندازه گیری می‌گردد - که ناشی از سیاستهای حمایت از تولیدکننده بخش کشاورزی است، صرف نظر از ماهیت، اهداف و یا آثار این سیاستها بر تولید و یا درآمد تولیدکننده» تعریف می‌نماید.

(OECD, 2002). بنابراین، PSE شامل کلیه پرداختهای انتقالی به تولیدکنندگان بخش کشاورزی است که از طریق سیاستهای مداخله‌ای دولت در بازار داخلی و حمایتهای مرزی و پرداختهای مستقیم به تولیدکنندگان صورت می‌پذیرد. محاسبه شاخص فوق تنها به کشورهای عضو OECD و چند کشور با اقتصاد در حال انتقال (استونی، لتونی، لیتوانی، رومانی، روسیه و جمهوری چک) محدود می‌گردد. در عین حال این شاخص با روشهای متفاوت برای چند کشور در حال توسعه نیز محاسبه گردیده است. (Pursell and Gupta, 1996; Valdes, 1996; Narayanan, 2003; Cheng, 2001; Tian et al., 2002 Cheng and Sun, 1998; Gulati and

اولین هدف این مقاله بطور خلاصه بیان و تشریح روند محاسبه شاخص PSE می‌باشد. در عین حال باید توجه نمود که سیاستهای حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه تا حد زیادی متکی به حمایتهای مرزی و سایر ابزارهای حمایت قیمتی (کنترل قیمت نهاده‌ها و حمایت از قیمت محصول) می‌باشد تا اینکه این سیاستها براساس پرداختهای بودجه‌ای، یعنی اختصاص ردیفهای بودجه‌ای مشخص برای حمایت از بخش کشاورزی باشد و

¹ Aggregate Measure of Support (AMS)

² Producer Support Estimate (PSE)

³ Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

بنابراین در کشورهای در حال توسعه بطور اخص می‌توان حمایت یا عدم حمایت از بخش کشاورزی را از طریق اختلاف بین قیمت‌های جهانی و داخلی نهاده‌ها و یا محصولات محاسبه نمود. اما باید توجه داشت که در کشورهای در حال توسعه، در مقایسه بین قیمت داخلی و قیمت جهانی، یک تخمین دقیق از میزان حمایت و یا عدم حمایت از یک محصول و یا بخش کشاورزی زمانی حاصل می‌شود که عواملی از قبیل هزینه‌های حمل و نقل خارجی و داخلی، حاشیه‌های بازاریابی و همچنین هزینه‌های فرآوری و اختلاف کیفیت بین محصولات تولیدی داخلی و خارجی و حتی یارانه‌های پنهان و آشکاری که به محصولات پرداخت می‌گردد کاملاً در نظر گرفته شوند. به عبارت بهتر، موقعیت تجاری یک محصول (از این نظر که این محصول یک محصول صادراتی و یا وارداتی است) ممکن است در میزان حمایت تأثیرگذار باشد و باید توجه نمود که در صورت عدم وجود یک چنین سیاست‌های حمایتی چه قیمتی باید مدنظر قرار گیرد؟. بنابراین دومین هدف از این تحقیق، بیان این مسئله است که اگر بخواهیم شاخص فوق را برای کشورهای در حال توسعه بکار ببریم چه تعدیلات و اصلاحاتی باید در شاخص اصلی که توسط OECD محاسبه می‌گردد صورت پذیرد.

در همین راستا، در بخش بعد بطور خلاصه روش اصلی محاسبه PSE و نکات و مسائل مهم در اندازه‌گیری این شاخص در کشورهای در حال توسعه توضیح داده می‌شود. سپس یک روش جهت محاسبه قیمت‌ها در کشورهای در حال توسعه که حاصل مطالعات انجام شده در این حوزه است توضیح داده می‌شود. در پایان ضمن بیان انتقادات اقتصادی که بر شاخص فوق وجود دارد پیشنهاداتی جهت محاسبه این شاخص در ایران و برای محصولات مشخص ارائه می‌گردد. بدیهی است که این مقاله از طریق مطالعه و مرور ادبیات موجود در حوزه محاسبه شاخص‌های حمایت از بخش کشاورزی تهیه گردیده است.

روش محاسبه شاخص PSE: تشریح و مسائل و مشکلات محاسبه آن در کشورهای در حال توسعه

اولین تلاش جهت محاسبه شاخص PSE توسط سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد¹ (FAO) برای پنج کشور و پنج کالا و برای دوره ۷۰-۱۹۶۸ صورت گرفت (Josling and Tangermann, 1989). این شاخص اولیه، بعنوان سطح یارانه مورد نیاز جهت پرداخت به تولیدکننده در صورتی که مجموعه سیاست‌های حمایتی برداشته شوند و به شرطی که درآمد تولیدکننده از مزرعه (واحد تولیدی) خویش تغییر پیدا نماید تعریف گردید. شاخص حمایت اولیه، با فرض کشور کوچک در تجارت جهانی (پذیرنده قیمت)^۲ و براساس قیمت‌های جهانی محاسبه گردید. این

¹ FOOD and Agriculture Organization (FAO)

² Price Taker

در حالی است که معیار و یا شاخص حمایت باید بعنوان یک معیار بعد از اجرای سیاست در نظر گرفته شود و بیانگر پرداختهای ناخالص انتقالی به تولیدکنندگان براساس محصولات و قیمت‌های مشاهده شده در بازار باشد بنابراین این معیار و شاخص براین فرض استوار است که منحنی‌های عرضه محصولات کاملاً کشش ناپذیر می‌باشند. در نتیجه وجه تمایز شاخص PSE با مازاد تولیدکننده مشخص می‌گردد. یک شاخص PSE مربوط به هر محصول می‌تواند براساس ارزش پولی برای هر واحد محصول و یا کل ارزش پولی برای کل تولید ملی یک محصول مشخص و یا به صورت درصد بیان گردد که بطور معمول به عنوان درصد ارزش تولید به اضافه حمایت‌های بودجه‌ای برای هر محصول بیان می‌گردد. سپس می‌توان شاخصهای محاسبه شده برای هر محصول را برای یک مجموعه از محصولات یا برای کل بخش کشاورزی بیان نمود. شاخصی که در ابتدا محاسبه می‌گردید اثرات سیاست‌های حمایتی اجرا شده در بخش عوامل و نهاده‌های تولید، سیاست‌های غیر کشاورزی در سطوح بخشی و اقتصاد کلان (بطور مثال تعرفه‌های سوخت و انحرافات در سیاست‌های تعیین نرخ ارز) و همچنین سیاست‌های نهاده‌های خاص (مانند قیمت‌های نهاده‌های دامی و بویژه خوراک دام در تولید محصولات زیربخش دام و طیور) را در نظر نمی‌گرفت. علاوه بر فائو، از اواسط دهه ۱۹۸۰، OECD و USDA (۱۹۹۴) مطالعاتی را در خصوص محاسبه شاخص فوق انجام دادند.

OECD در ابتدا یک تعریف وسیع از PSE را ارائه نمود که شامل حمایت‌های درآمدی مستقیم و غیرمستقیم، هزینه‌های مصروفه بابت تحقیق و ترویج کشاورزی، یارانه‌های پرداختی بابت سود و کارمزد تسهیلات اعطایی به تولیدکنندگان بخش کشاورزی، و سیاست‌هایی بود که در سطوح خردتر از سطح ملی اعمال می‌گردید.

در سال ۱۹۹۹، OECD در روش محاسبه PSE تغییرات گسترده‌ای را اعمال نمود. روش فعلی OECD درحقیقت روش اصلاح شده فائو و وزارت کشاورزی آمریکا می‌باشد. این شاخص به صورت ارزش پولی یا درصد بیان می‌گردد که سطح تجمعی نسبت کل PSE به کل ارزش ناخالص دریافته‌های تولیدکننده (که براساس ارزش تولید به قیمت‌های سرمزرعه محاسبه می‌گردد) به اضافه کل پرداخت‌های انتقالی دولت می‌باشد (OECD, 2003). در این روش جدید محاسبه PSE، سیاست‌ها به هشت گروه به شرح زیر تقسیم می‌گردند:

۱- حمایت قیمت بازار^۱ (MPS)

۲- پرداختها براساس محصول شامل پرداختها براساس محصول نامحدود و محصول محدود شده

۳- پرداختها براساس سطح زیر کشت و یا تعداد دام یا طیور

۴- پرداختها براساس سوابق تاریخی

^۱ Market Price Support (MPS)

- ۵- پرداختها براساس مصرف نهاده‌های ثابت ، متغیر و یا خدمات ارائه شده
- ۶- پرداختها براساس نهاده‌های محدود شده
- ۷- پرداختها براساس درآمد مزرعه و یا واحد تولیدی
- ۸- سایر پرداختها مانند پرداختهای در سطح ملی و یا غیرملی و محلی

MPS به عنوان جزئی از **PSE** تعریف می‌شود که شاخصی است از ارزش پولی سالیانه پرداختهای انتقالی ناخالص از مصرف کنندگان و پرداخت کنندگان مالیات به تولیدکنندگان بخش کشاورزی و ناشی از سیاستهایی است که بین قیمت محصولات در بازار داخلی و قیمت این محصولات در مرزها اختلاف ایجاد می‌نماید و در سرمزرعه اندازه گیری می‌گردد (Portugal, 2002). بطور ساده این جزء از شاخص حمایت اختلاف بین قیمت داخلی و معادل قیمت جهانی یک محصول خاص را اندازه گیری می‌نماید .

هفت جزء بعدی **PSE** ، براساس هزینه‌های بودجه‌ای دولت برای انواع پرداختها به تولیدکنندگان و زارعین اندازه گیری می‌شود . برای کشورهای عضو **OECD** بطور متوسط ۶۳ درصد کل **PSE** طی سالهای ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۲ را **MPS** تشکیل می‌داده است (OECD, 2003).

با فرض رقابتی بودن بازارها ، اطمینان کامل در مورد قیمتها بعد از عرضه محصول و یک کشور کوچک در تجارت جهانی (یعنی با این فرض که سیاستهای داخلی و مرزی یک کشور اثری بر قیمتهای جهانی ندارد) ، قیمت داخلی و سرمزرعه یک کالا ، **Pd** ، با یک قیمت مرجع تعدیل شده ^۱ ، **Par** ، مقایسه می‌گردد . انواع تعدیلات که برای قیمت مرجع باید انجام داد برای یک محصول وارداتی و صادراتی در روابط (۱) و (۲) نشان داده شده است .

^۱ Adjusted Rerence Price

| | | | | | |
|-------------------------------|--|---|---------------------------|---|--|
| In the case of an importable: | | | | | |
| (1) | Adjusted reference price for an import | = | Reference price at border | + | $\left(\begin{array}{l} \text{Port charges} \\ + \\ \text{Transportation, handling and marketing cost from port to internal wholesale market} \end{array} \right) - \left(\begin{array}{l} \text{Transportation and handling costs from farm to wholesale market} \\ + \\ \text{Marketing and processing costs from farm to wholesale market} \end{array} \right) - \text{Quality adjustment}$ |
| | P_{ar} | = | P_r | + | $(C_p + T_{d1}) - (T_{d2} + M) - Q_{adj}$ |
| In the case of an exportable: | | | | | |
| (2) | Adjusted reference price for an export | = | Reference price at border | - | $\left(\begin{array}{l} \text{Port charges} \\ + \\ \text{Transportation, handling and marketing cost from port to internal wholesale market} \end{array} \right) - \left(\begin{array}{l} \text{Transportation and handling costs from farm to wholesale market} \\ + \\ \text{Marketing and processing costs from farm to wholesale market} \end{array} \right) - \text{Quality adjustment}$ |
| | P_{ar} | = | P_r | - | $(C_p + T_{d1}) - (T_{d2} + M) - Q_{adj}$ |

مأخذ: Melyukhina(2002)

توضیح: $Q_{adj} > 0$ نشان دهنده این است که کیفیت محصول داخلی پایین تر از کیفیت محصول مبادله شده در بازارهای جهانی است.

قیمت مرجع در مرز، P_r ، قیمت سیف^۱ بازار جهانی برای یک کشور واردکننده محصول یا قیمت فوب^۲ برای یک کشور صادرکننده محصول است که برحسب پول داخلی هر کشور بیان می گردد. قیمت مرجع در مرز یا از طریق مشاهده قیمت هر واحد محصول برای واردات و یا صادرات و یا از طریق مشاهده قیمت های جهانی که با توجه به هزینه های حمل و نقل بین المللی تعدیل گردیده اند محاسبه می گردد. سپس قیمت مرجع بوسیله هزینه های جابجایی، حمل و نقل و بازاریابی بین مرز و بازار عمده فروشی (C_p و T_{d1})، هزینه های جابجایی، حمل و نقل و فرآوری محصول بین مزرعه و بازار عمده فروشی (C_p و T_{d1}) و بوسیله تعدیلات مورد نیاز برای اختلاف در کیفیت کالا بین محصول داخلی و بین المللی (Q_{adj}) تعدیل می گردد. بنابراین اختلاف بین قیمت در سرمزرعه و قیمت تعدیل شده، $\Delta P = P_d - P_{ar}$ ، یک معیار پولی از حمایت قیمت بازار برای هر واحد از ستانده می باشد. در حالت مطلوب، این اختلاف قیمت، ناشی از مداخلات سیاستگزاری دولت به صورت آشکار و پنهان می باشد. اگر اختلاف فوق را به

¹ CIF
² FOB

صورت نسبتی از قیمت مرجع بیان نماییم ، $(\Delta P / P_{ar})$ ، آنگاه این اختلاف قیمت یک نرخ اسمی حمایت¹ (NPR) می‌باشد.

این مقایسه و محاسبه حمایت قیمتی از لحاظ تئوری یک مسئله است اما از لحاظ عملی و هنگام کاربرد آن کاملاً متفاوت از مسائل تئوری می‌باشد. مشکلات محاسبه حمایت قیمت بازار و یا اختلاف قیمت بویژه در کشورهای در حال توسعه از جنبه‌های متعددی بسیار پیچیده می‌باشد. اول اینکه کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته تمایل دارند بیشتر از سیاستهای مرزی در جهت حمایت از بخش کشاورزی خود نسبت به سیاستهای قیمتی استفاده نمایند که این سیاستهای مرزی عمدتاً توسط مداخلات در بازار و سیاست ذخیره‌سازی دولت پشتیبانی می‌گردد. در عین حال باید توجه نمود که ارزش برابری ارز نقش مهمی را در تعبیر نتایج حاصل از این محاسبات بازی می‌نماید. دوم اینکه، با زیرساختهای کمتر توسعه یافته، هزینه‌های مختلف مربوط به تعدیل قیمت مرجع در کشورهای در حال توسعه بسیار بزرگتر از کشورهای توسعه یافته می‌باشد و از این رو اگر این هزینه‌ها به حساب بیایند (و یا نیایند) آثار بسیار زیادی بر روی MPS و تعبیر آن خواهند گذاشت. برای کشورهای در حال توسعه بزرگ، ممکن است که حمایت قیمت بازار یا هزینه‌های بودجه‌ای در بین مناطق مختلف نیز متفاوت باشد. سوم اینکه، کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته امکان دارد تمایل بیشتری داشته باشند تا در خصوص یک یا چند محصول در طول یکسال از یک کشور واردکننده به یک کشور صادرکننده تبدیل شوند که این خود در محاسبه قیمت مرجع بدلیل تغییر شرایط بسیار تأثیرگذار است. چهارم اینکه، اختلاف قیمت در کشورهای در حال توسعه و مشکلات موجود در ارزیابی سیاست مربوط به آن ممکن است ناشی از وجود رقابت ناقص در بخشهای مربوط به جابجایی، حمل و نقل، فرآوری و یا بازاریابی مربوط به محصول باشد. این مسئله بر روی اختلاف قیمت مشاهده شده اثر می‌گذارد. پنجم اینکه، حتی اگر نیروهای بازار رقابتی بطور نسبی در بخشهای مربوط به جابجایی، حمل و نقل، فرآوری خوب رفتار نمایند، بازهم بدست آوردن اطلاعات در خصوص هزینه‌های مختلف بسیار مشکل است.

از آنجائیکه داده‌های بسیار زیادی جهت محاسبه اختلاف قیمتی که در فوق توضیح داده شد مورد نیاز می‌باشد، تلاش در جهت ارزیابی حمایت از قیمت بازار در کشورهای در حال توسعه نیازمند تعدیلاتی است تا خطای اندازه‌گیری را تا حد امکان کاهش دهد. اهمیت این خطاهای اندازه‌گیری به تعدیلاتی که در قیمت مرجع باید صورت پذیرد بستگی دارد و این تعدیلات مورد به مورد برای هر محصول و یا هر کشور و منطقه متفاوت می‌باشد. برای تعدادی از محصولات، مراحل فرآوری بسیار پیچیده می‌باشد، بنابراین عامل مهم

¹ Nominal Rate of Protection (NPR)

تعیین کننده در MPS تعدیلاتی است که در قیمت مرجع باید از نظر هزینه‌های فرآوری صورت پذیرد. در چنین مواردی باید یک مقایسه بین قیمت مرجع محصول فرآوری شده و قیمت محصول فرآوری شده در سطح عمده‌فروشی انجام پذیرد. یک چنین مقایسه‌ای نمی‌تواند حمایت (یا عدم حمایت) از تولیدکنندگان داخلی و صنایع فرآوری را از یکدیگر جدا نماید. این مسئله می‌تواند یک تفاوت بسیار مهم باشد بخصوص اگر صنایع فرآوری و تبدیلی و تکمیلی در برخی از کشورهای در حال توسعه ناکارآ و یا غیر رقابتی باشند (Cahill and Legg, 1990; Doyon et al., 2001). بطور مثال اگر شکر بعنوان یک محصول در نظر گرفته شود، حمایت از قیمت بازار آن معمولاً بوسیله اختلاف قیمت بین قیمت شکر تصفیه شده در بازار عمده‌فروشی و بازار جهانی اندازه‌گیری می‌شود. این اختلاف قیمت باید براساس ضرایب تبدیل چغندر قند و یا نیشکر به شکر به قیمت سرمرزعه این محصولات تبدیل گردد. در اینجا فرض می‌گردد که صنایع تبدیلی شکر تحت رقابت کامل فعالیت می‌نمایند. در کشورهای در حال توسعه ممکن است برخی از صنایع و یا کارخانجات شکر دارای قدرت بیشتری در بازار باشند بنابراین این کارخانجات قیمت شکر در بازار عمده‌فروشی را افزایش می‌دهند بدون اینکه قیمت پرداختی به تولیدکنندگان محصول اولیه افزایش یابد. در این حالت MPS افزایش می‌یابد بدون اینکه در واقعیت حمایتی از تولیدکنندگان صورت پذیرفته باشد.

مثال دیگر در خصوص تفاوت در بین کشورها و محصولات و نحوه تعدیلاتی که باید بر روی قیمت مرجع صورت داد می‌تواند برای مصرف‌کنندگانی باشد که به مبادی ورودی تا محل تولید محصولات داخلی نزدیک‌تر هستند. بطور مثال فرض نمایید که مرز ورودی محصولات، پایتخت و یا یک مرکز جمعیتی بزرگ باشد در حالیکه تولید داخلی بسیار دورتر از این مرکز و در داخل کشور صورت می‌پذیرد. در این حالت هزینه‌های مرزعه تا بازار عمده‌فروشی نیاز به تعدیلات بیشتری دارند. بالعکس، ممکن است یک کشور دیگر کاملاً محصور در خشکی باشد و هیچ مرزآبی و یا بندر نداشته باشد. بنابراین محل تولید داخلی (سرمرزعه) کاملاً نزدیک به محل عمده مصرف باشد. از این رو تعدیلاتی که از قیمت مرجع واردات تا بازار عمده‌فروشی داخلی صورت می‌گیرد بسیار حائز اهمیت است.

زمانی که سری زمانی داده‌ها برای همه عواملی که جهت تعدیل در قیمت مرجع لازم است وجود ندارد، یکی از روشهایی که OECD جهت تخمین اختلاف بین قیمت بازار به کار برده این فرض بوده است که افزایش واقعی^۱ قیمت مرجع تقریباً توسط پایین آوردن^۲ قیمت واقعی فروش جبران می‌گردد. براساس این فرض، یک

^۱ Mark-ups

^۲ Mark-downs

تصحیح و یاتعدیل تنها برای مواردی انجام می‌گردد که از طریق فرض فوق افزایش قیمت‌ها جبران نمی‌شود . برای مثال ملیوخینا^۱ (۲۰۰۲) رابطه زیر را برای ساده‌تر نمودن محاسبه اختلاف قیمت در کشورهای با اقتصاد در حال انتقال و غیر عضو OECD پیشنهاد می‌نماید .

$$(۳) \quad P = (P_w + (T_i + T_{dl}) - (T_{d2} + Q_{adj}) - M$$

در رابطه فوق P_w قیمت فوب صادراتی اتحادیه اروپا است . رابطه فوق شامل تعدیلاتی مشابه آنچه که در رابطه (۱) بیان شد می‌باشد . ملیوخینا سپس فرض می‌نماید که :

$$(۴) \quad (T_i + T_{dl}) - (T_{d2} + Q_{adj}) \cong 0$$

بنابراین :

$$(۵) \quad \Delta P = P_d - (P_w - M)$$

توسط این فرمول رابطه اختلاف قیمت به اختلاف بین قیمت عمده‌فروشی داخلی (قیمت سرمزرعه به اضافه هزینه‌های بازاریابی بین مزرعه و بازار عمده‌فروشی) و قیمت فوب صادراتی در جهان (در این حالت قیمت صادراتی اتحادیه اروپا) کاهش پیدا می‌نماید . در مقایسه رابطه (۳) با (۵) به نظر می‌رسد که رابطه دوم بیشتر تعدیل برای یک محصول صادر شده است .

پرداختهای بودجه‌ای

همانطور که در ابتدای این مقاله عنوان گردید ، پرداختهای بودجه‌ای که در برآورد کل حمایت مورد استفاده قرار می‌گیرد براساس پیشنهاد OECD در هفت گروه طبقه‌بندی می‌گردند . با افزایش استفاده از ابزارهای حمایتی از طریق پرداخت به تولیدکنندگان در کشورهای توسعه یافته که حداقل از سطح تولید محصول مجزا^۲ می‌باشد ،

^۱ Melyukhina

^۲ Decouple

سازمان فوق روش محاسبه پرداختهای بودجه‌ای را به گونه‌ای تعدیل نموده است تا بتوان آنها را براساس محصولات مشخص نمود (OECD, 2003).

الگو و سطوح پرداختهای بودجه‌ای در جهت حمایت از کشاورزی توسط کشورهای در حال توسعه تا حد زیادی با کشورهای ثروتمند عضو سازمان همکاریهای اقتصادی متفاوت می‌باشد. در اقتصادهای در حال انتقال (در حال توسعه)، توجه ویژه‌ای باید نمود که همه کمکهای بودجه‌ای حتی آن مواردی که به صورت مستقیم به تولیدکنندگان پرداخت نمی‌گردد به حساب آید (Melyukhina, 2002). قیتمهای ترجیحی برای نهاده‌هایی از قبیل برق، کودهای شیمیایی، آبیاری و حمل و نقل ممکن است در کشورهای در حال توسعه بسیار مهم‌تر از کشورهای توسعه یافته باشد. این یارانه‌ها می‌توانند در پرداختهای بودجه‌ای لحاظ گردند گرچه امکان دارد که یارانه‌های پرداختی برای نهاده‌های قابل تجارت در سطح سرمرزعه از طریق روش اختلاف قیمت مشابه آنچه که در سطور فوق برای محاسبه قیمت بازار بیان گردید بهتر اندازه‌گیری گردند.

محاسبه PSEها

کل تخمین حمایت از تولیدکننده برحسب ارزش اسمی برای همه تولیدکنندگان بخش کشاورزی مجموع حمایت از قیمت بازار (که از حاصل ضرب اختلاف قیمت برای هر واحد محصول، ΔP ، در مقدار ستانده و حاصل جمع برای کلیه محصولات است که در محاسبه شاخص حمایت مدنظر قرار می‌گیرند که این محصولات برای کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی محصولاتی است که ۷۰ درصد ارزش تولیدبخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند و شامل گندم، ذرت، سایر غلات، دانه‌های روغنی، شکر، شیر، گاو و گوساله، خوک، مرغ و تخم‌مرغ می‌باشد) و پرداختهای بودجه‌ای می‌باشد. محاسبه حمایت از قیمت بازار براساس روش OECD شامل سه مرحله می‌باشد:

۱- ارزش اسمی حمایت از قیمت بازار برای هر محصول و یا کالای تولیدشده در بخش کشاورزی بطور مجزا برآورد می‌گردد. این مجموعه تحت عنوان حمایت از قیمت بازار محصولات^۱ شناخته می‌شود.

۲- مجموعه حمایتهای قیمت بازاری برای هر محصول، کل حمایت قیمت بازاری (MPS_c) را تشکیل می‌دهد. یک روش جهت تخمین کل حمایت اسمی (PSE) برای یک کشور (که البته توسط OECD استفاده نمی‌گردد) این است که در این مرحله تنها حمایت از قیمت بازار محصولات تحت پوشش با کل پرداختهای بودجه‌ای به تولیدکنندگان بخش کشاورزی جمع می‌گردد ($PSE_c = MPS_c + BP$).

^۱ MPS Commodities

۳- در روش OECD این مرحله نیز انجام می‌گیرد و به این صورت است که حمایت از قیمت بازار برای کالاهای تحت پوشش به همه محصولات، براساس سهم کالاهای تحت پوشش از کل ارزش تولید بخش کشاورزی (k) تعمیم داده می‌شود. مرحله نهایی یا «روش برون یابی حمایت از قیمت بازار»^۱ می‌تواند به صورت MPS_c/k بیان می‌گردد. هر دوی تخمینهای فوق (مرحله دوم یا سوم)، خطاهایی را در اندازه‌گیری ایجاد می‌نمایند و هرگونه خطای اندازه‌گیری می‌تواند در تعبیر نتایج بسیار مهم باشد. برای کشورهای در حال توسعه سطح پوشش محصولات در اندازه‌گیری حمایت کمتر از کشورهای توسعه یافته می‌باشد و فرض تعمیم کالاهای تحت پوشش به همه محصولات بخش کشاورزی در این کشورها غیرواقعی می‌باشد.

کل حمایت را براساس درصد (یعنی کل پرداخت انتقالی به تولیدکنندگان، از MPS_c و BP ، تا دریافتی ناخالص مزرعه که بوسیله ارزش تولید به قیمت تولیدکننده محاسبه می‌گردد به اضافه پرداختهای بودجه‌ای) می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

$$\%PSE = \left(\frac{MPS_c + BP}{VP + BP} \right) \times 100$$

که در رابطه فوق VP کل ارزش تولید بخش کشاورزی به قیمت‌های تولیدکننده داخلی می‌باشد. همانطور که قبلاً نیز توضیح داده شد، در روش اصلاح شده سازمان همکاریهای اقتصادی مجموع حمایت از قیمت بازار به کل محصولات تعمیم داده می‌شود که در صورت کسر فوق می‌توان این حمایت از قیمت بازار تعمیم داده شد را جایگزین نمود. برخی اقتصاددانان متخصص تجارت اعتقاد دارند که در مخرج کسر فوق باید ارزش تولید محصولات بخش کشاورزی به قیمت جهانی معادل سرمزرعه به جای قیمت تولیدکننده داخلی استفاده نمود. بنابراین درصد حمایت هر محصول را می‌توان به صورت فوق تعریف نمود که نسبت فوق نشان می‌دهد که چه میزان از کل ارزش تولید محصولات بخش کشاورزی در کشورها به صورت حمایت به تولیدکنندگان باز می‌گردد.

همچنین باید توجه نمود که مواردی از قبیل تعیین نرخ ارز، نیاز به تحلیلها در سطح مناطق، استفاده از قیمت‌های محصولات در هنگام برداشت و یا متوسط قیمت‌های دریافتی توسط تولیدکننده در طول سال و همچنین اختلاف بین

^۱ MPS Extrapolation Procedure

محصول عرضه شده به بازار و یا کل محصول تولیدشده از دیگر مواردی است که در هنگام محاسبه حمایتها باید در کشورهای در حال توسعه مد نظر قرار گیرد.

روش اصلاح شده برای محاسبه قیمت تسویه کننده بازار داخلی^۱

علاوه بر مواردی که بعنوان مشکلات تخمین کل حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه ذکر گردید، عامل بسیار مهم دیگری نیز وجود دارد. تغییرات قیمت‌های جهانی، تغییر در سطوح قیمت‌های مداخله‌ای دولتها، و تکان‌های عرضه و تقاضای داخلی برای محصولات بخش کشاورزی همگی از جمله عواملی هستند که می‌توانند یک کشور را در طول سال از یک کشور صادرکننده کالا به یک کشور واردکننده و یا بالعکس (یا به عبارت دیگر افزایش یا کاهش ذخایر) تبدیل نمایند. بایرلی و موریس^۲ (۱۹۹۳) اشاره می‌نمایند که میزان تأثیر هر کدام از عوامل فوق که باعث تغییر موقعیت تجاری یک کشور (یا جهت کاهش یا افزایش ذخایر) می‌شود زمانی بزرگتر می‌باشد که کشور نزدیک دستیابی به خودکفائی در یک محصول خاص بوده، یا هزینه‌های حمل و نقل داخلی و خارجی بالا باشد که نتیجه آن اختلاف بسیار زیاد بین قیمت‌های مرجع تعدیل شده برای واردات در مقابل صادرات می‌باشد (از این به بعد قیمت مرجع تعدیل شده برای صادرات به صورت P_e و برای واردات به صورت P_m نشان داده می‌شود). این محققین بیان می‌نمایند که تحت این شرایط (که حالت عمومی برای غلات در اکثر کشورهای در حال توسعه است) محاسبه شاخص کل حمایت از بخش کشاورزی با روش سنتی یعنی مقایسه قیمت داخلی با یک قیمت تعدیل شده صادراتی و یا وارداتی می‌تواند منجر به تخمین نادرست از سطح و یا حتی جهت حمایت گردد. بنابراین یک معیار صحیح حمایت می‌تواند براساس یک قیمت تعادلی تسویه کننده بازار به عنوان قیمت مرجع تعدیل شده محاسبه شود تا اینکه این معیار براساس قیمت‌های صادراتی و یا وارداتی باشد. محققین فوق به عنوان مثال در پاکستان نشان دادند علیرغم اینکه این کشور طی سالهای ۹۰-۱۹۸۵ در سطح ۸۵ درصد در تولید گندم خود کفا بود و قیمت‌های تولیدکننده داخلی را کمی بالاتر از قیمت صادراتی و کمی پایین تر از قیمت وارداتی نگاهداشته بود، براساس روش سنتی محاسبه قیمت‌ها یک واردکننده خالص گندم بوده است. معیارهای سنتی محاسبه حمایت نشان داد که قیمت داخلی در حدود ۴۰ درصد پایین تر از قیمت مرجع تعدیل شده وارداتی بوده است. اما بایرلی و موریس نتیجه می‌گیرند که اگر کنترل بر قیمت‌ها برداشته شوند، قیمت‌ها تنها ۱۰ درصد افزایش می‌یابند تا به سطح قیمت تسویه کننده بازار داخلی برسند.

^۱ Domestic Market - Clearing Price

^۲ Beyerlee and Morris

بایرلی و موریس یک روش سیستماتیک را بمنظور تعیین جهت فعلی تجارت بمنظور تعیین دقیق قیمت مرجع تعدیل شده در روند محاسبه حمایت از قیمت بازار ارائه می نمایند. بدین منظور و به منظور اینکه تشخیص داده شود که کدام قیمت، قیمت واقعی در حالیکه مداخله بازار وجود ندارد می باشد، ما باید رابطه بین قیمت تعادلی در حالت بدون تجارت، P^* ، و قیمت های مرجع تعدیل شده یعنی P_e و P_m را بدانیم. بدلیل تعدیلات هزینه ای که در داخل و سطح جهانی صورت می گیرد مشخص است که $P_m > P_e$ می باشد. زمانی که $P^* > P_m$ ، بنابراین P_m همان P_{ar} مربوطه می باشد؛ زمانی که $P_e > P^*$ ، بنابراین P_e همان P_{ar} مربوطه می باشد؛ و زمانی که $P_m > P^* > P_e$ ؛ همان P^* همان قیمت مرجع تعدیل شده می باشد. این روابط قیمتی و نه قیمت های مشاهده شده تحت سیاست های حمایتی موجود، سطح حمایت و یا عدم حمایت را نسبت به زمانی که سیاست حمایتی وجود نداشته باشد مشخص می نمایند.

انتقادات اقتصادی وارد بر PSE

قبل از جمع بندی و نتیجه گیری از این تحقیق و ارائه پیشنهادات مشخص برای سیاستگزاری، لازم است تا بطور خلاصه انتقادات و ایراداتی که بر روش محاسبه شاخص کل حمایت وارد می شود توضیح داده شود. این انتقادات را می توان به انتقاداتی که بر فرضیات روش فوق وارد می گردد و انتقاداتی که بر نحوه تعبیر شاخص محاسبه شده فوق وارد است تقسیم بندی نمود.

سیلویس و وان در هامس وورت^۱ (۱۹۹۶) بیان می نمایند که فرض مستقل بودن قیمت و مقدار داخلی و قیمت های جهانی (یعنی این فرض که همه کشورهای در تجارت جهانی کوچک هستند و تأثیر بر قیمت های جهانی ندارند) یک فرض غیر واقعی است. اگر فرض فوق را بپذیریم به این معنی است که شاخص های کل حمایت بیش از حد برآورد می گردند زیرا این شاخصها براساس قیمت های جاری جهانی هستند تا اینکه براساس قیمت های تعادلی بلندمدت (تجارت آزاد) باشند. گرچه تخمین قیمت های تعادلی بلندمدت بسیار مشکل است، اما استفاده از این قیمت های تعادلی منجر به شاخص هایی می گردد که کمتر از تخمین های سازمان همکاری اقتصادی برای اعضاء خود می باشد (Oskam and Meester, 2003). برای کشورهای در حال توسعه بدلیل اینکه کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی با استفاده از حمایت های گسترده خود باعث می گردند تا قیمت های جهانی پایین تر از میزان واقعی خود باشند و این باعث می گردد تا این کشورها با عدم حمایت از تولید کنندگان خود مواجه گردند.

¹ Silvis and Van der Hamsvoort

از لحاظ فنی ، PSE فرض می‌نماید که محصولات تولید شده در داخل و در بازارهای جهانی کاملاً جانشین هستند و یا می‌توان یک جزء به عنوان تعدیل در کیفیت در محاسبه حمایت وارد نمود . این فرض برخلاف فرض آرمینگتون در تجارت جهانی است که اغلب در روش تعادل عمومی در نظر گرفته می‌شود . بر اساس فرض آرمینگتون ، محصولات مشابه از کشورهای مختلف بطور ناقص جانشین یکدیگر هستند و بنابراین قیمتهای تعادلی آنها برابر نمی‌باشد حتی اگر تعدیلاتی برای انتقال کالا صورت گیرد .

فرض دیگری که در محاسبه شاخص حمایت مد نظر قرار می‌گیرد صفر بودن کشش عرضه محصولات کشاورزی است. که متأسفانه تا کنون هنوز روش جایگزینی برای واقعی‌تر نمودن این فرض پیدا نشده است .

باید توجه نمود که شاخص کل حمایت کاملاً متفاوت از مازاد تولید کننده و یا سطح رفاه تولید کننده است که این مسئله در برخی از تحقیقات در خصوص حمایت رعایت نمی‌گردد و میزان حمایت از تولید کنندگان بخش کشاورزی را دقیقاً معادل رفاه تولید کننده در نظر می‌گیرند .

انتقاد مهم دیگری که در تعبیر شاخص کل حمایت بر این شاخص وارد می‌گردد این مسئله است که هر واحد پولی میزان حمایت اثر متفاوتی بر تولید یا تجارت هر محصول دارد که چون این معیار یک معیار کلی و تجمعی است این مسئله در این شاخص مغفول مانده است .

اما علیرغم تمام ایرادات وارده بر شاخص فوق ، این شاخص بطور گسترده‌ای می‌تواند نشان دهنده میزان پرداخت یارانه و یا حمایت از تولید کنندگان بخش کشاورزی باشد. با درک کامل از فرضیات و روش محاسبه شاخص فوق و با توجه به شرایط هر کشور می‌توان تصویر دقیقی از میزان حمایت یا عدم حمایت از تولید کنندگان بخش کشاورزی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران ارائه نمود .

جمع بندی ، نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران بخش کشاورزی هنگامیکه می‌خواهند یک سیاست و یا ابزار سیاستی حمایتی جدید را بکار گیرند بیشتر تمایل دارند تا بدانند میزان حمایت از بخش کشاورزی و یا محصول مورد نظر چقدر است و با اجرای این سیاست و یا بکارگیری ابزار جدید این میزان حمایت چه تغییری پیدا می‌کند . بنابراین اندازه‌گیری میزان حمایت یک مرحله بسیار مهم در سیاست‌گذاری بخش کشاورزی است .

شاخصهای متعددی جهت اندازه‌گیری میزان حمایت از بخش کشاورزی وجود دارد که در میان آنها تخمین حمایت از تولید کننده (PSE) بدلیل گستردگی و جامعیت شاخص پذیرفته تری می‌باشد . این شاخص، کل

حمایتهای قیمتی و حمایتهای بودجه‌ای را که از تولید کننده بخش کشاورزی به عمل می‌آید در نظر گرفته و به صورت پولی محاسبه می‌نماید .

اندازه‌گیری این شاخص در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران با مشکلات متعددی مواجه است که این مقاله تلاش نمود ضمن بیان روش محاسبه مشکلات عمده را نیز بیان نماید .

یکی از مشکلاتی که در جهت محاسبه این شاخص در ایران با آن روبرو هستیم عدم وجود آمار و اطلاعات مناسب بویژه در حوزه پرداختهای بودجه‌ای می‌باشد .

از دیگر مشکلات، متفاوت بودن ساختار بازار محصولات کشاورزی در مناطق مختلف کشور میباشد. علاوه بر این انواع و اقسام حمایتها و یا عدم حمایتهای آشکار و پنهان محاسبه این شاخص را با مشکلات متعددی روبرو می‌سازد .

فرضیات مختلف در خصوص قیمتهای مرجع وهزینه های مختلف حمل ، فرآوری و بازاریابی محصولات نیز از جمله مسائل دیگر است .

علیرغم همه مشکلات ذکر شده ، محاسبه این شاخص برای محصولات مختلف در موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی شروع گردیده است که امید است با رعایت کلیه مسائل ذکر شده در این مقاله بتوان تصویر دقیقی از میزان حمایت از بخش کشاورزی در کشور بدست آورد .

منابع

- 1- Beierle, T. and E. Diaz-Bonilla. 2003. The Impact of Agricultural Trade Liberalization on the Rural Poor: An Overview. Background paper prepared for an RFF/IFPRI workshop on Agricultural Trade Liberalization and the Poor, Washington D.C., November 3-4.
- 2- Brooks, J. and O. Melyukhina. 2003. Estimating the Pass-Through of Agricultural Policy Reforms: An Application to Russian Crop Markets, with Possible Extensions. Paper prepared for — Agricultural Policy Reform and the WTO: Where Are We Heading? Capri, Italy, June 25.
- 3- Burfisher, M and J. Hopkins. 2003. *Decoupled Payments: Household Income Transfers in Contemporary U.S. Agriculture*. Market and Trade Economics Division, Economic Research Service, U.S. Department of Agriculture. Agricultural Economic Report No. 822, February.
- 4- Byerlee, D. and M. L. Morris. 1993. Calculating Levels of Protection: Is It Always Appropriate to Use World Reference Prices Based on Current Trading Status? *World Development*, Volume 21, Number 5, pp. 805-815.
- 5- Cahill, C. and W. Legg. 1990. *Estimation of Agricultural Assistance Using Producer and Consumer Subsidy Equivalents: Theory and Practice*. OECD Economic Studies, Number 13, pp. 13-42.
- 6- Cheng, F. 2004. Technical Issues in MPS Calculation. Mimeo, International Food Policy Research Institute, Washington, DC.
- 7- Dewbre, J., J. Antón, and W. Thompson. 2001. Direct Payments, Safety Nets and Supply Response: The Transfer Efficiency and Trade Effects of Direct Payments. *American Journal of Agricultural Economics*, Vol.83 (5) pp. 1204-1214 (11).

- 8- Doyon, M., N. Paillat and D. M. Guion. 2001. Critical Analysis of the Concept of the Producer Subsidy Equivalent in the Dairy Sector (Dairy PSE). Groupe de recherche en économie and politique agricoles (GREPA), Université Laval, November 13.
- 9- Harley, M. 1996. Use of Producer Subsidy Equivalents as a Measure of Support to Agriculture in Transition Economies. *American Journal of Agricultural Economics* 78, pp. 799-804, August.
- 10- Huang, J. and S. Rozelle. 2002. *The Nature of Distortions to Agricultural Incentives in China and Implications of WTO Accession*. Paper 02-006, Department of Agricultural and Resource Economics, University of California, Davis.
- 11- Josling, T. and S. Tangermann. 1989. Measuring Levels of Protection in Agriculture: A survey of Approaches and Results. In Alan Maunder and Alberto Valdés (ed.) *Agriculture and Governments in an Interdependent World: Proceedings of the Twentieth International Conference of Agricultural Economists*, Dartmouth Publishing Company for the IAAE.
- 12- Josling, T and A. Valdés. 2003. Agricultural Policy Indicators. Draft Report to the Food and Agriculture Organization, October 10.
- 13- Melyukhina, O. 2002. The Measurement of the Level of Support in Selected Non-OECD Countries. In *China and the World Economy: Agricultural Policy Adjustments in China After WTO Accession*, Organization for Economic Cooperation and Development.
- 14- Mitchell, D. 2004. *Sugar Policies: Opportunity for Change*. World Bank Policy Research Working Paper 3222, Development Prospects Group, The World Bank, Washington, DC.
- 15- Mullen, K., D. Sun, M. Thomas, D. Orden and A. Gulati. 2004. Agricultural Policy Interventions in Developing Countries: Mapping the Nature, Degree and Progress of Reforms. Presented at the annual meeting of the American Agricultural Economics Associations, Denver, August 1-3.
- 16- Narayanan, S. and A. Gulati. 2003. *Managing Trade Liberalization in Developing Countries: The Indian Experience*. International Food Policy Research Institute mimeo, Washington, DC.
- 17- Organization for Economic Cooperation and Development. 2002. *Agricultural Policies in OECD Countries, Monitoring and Evaluation*, OECD, Paris.
- 18- Oskam, A. and G. Meester. 2003. How Useful Are the PSE and TSE Measures in Determining Agricultural Support. Mimeo.
- 19- Portugal, L. 2002. Methodology for the Measurement of Support and Use in Policy Evaluation. OECD, Paris.
- 20- Pursell, G., and A. Gupta. 1996. Trade Policies and Incentives in Indian Agriculture: Background Statistics and Protection and Incentive Indicators, 1965-95. Background Paper 1, Sugar and Sugarcane. World Bank, International Economics Department, Washington, DC.
- 21- Silvis, H. J. and C. P. C. M. van der Hamsvoort. 1996. The AMS in Agricultural Trade Negotiations: A Review. *Food Policy*, Volume 21 Number 6 December.
- 22- U.S. Department of Agriculture & Economic Research Service. 1994. Estimates of Producer and Consumer Subsidy Equivalents: Government Intervention in Agriculture, 1982-92. *Statistical Bulletin* Number 913.
- 23- U.S. Department of Agriculture & Economic Research Service. Sugar Policy
- 24- Tian, W., L. Zhang and Z. Zhou, 2002, The Experience and Issues in Measuring the Level of Agricultural Support in China, Paper presented at the Workshop on Agricultural Policy Adjustments in China after WTO Accession, May 30-31, 2002, Beijing, China.
- 25- Valdés, A. 1996. Surveillance of Agricultural Price and Trade Policy in Selected Latin American Countries at the Time of Major Policy Reform. The World Bank, Technical Department, Latin America and Caribbean Region, May 13.

**Agricultural Producer Estimates (PSE) in Developing Countries:
Measuring Problems and Horizons for Iran**

Ali Kiani Rad

Assistant Professor, Agricultural Planning and Economic Research Institute (APERI)

Ministry of Jihad-e-Agriculture

TEHRAN, I.R. IRAN

akianirad@gmail.com

In many developing countries, governments rely on price-based measures (including border protection and subsidies on inputs and outputs) more than on budgetary payments to achieve agricultural policy objectives defined to include price stabilization or food self-sufficiency. Assessing the effects of these price-based measures is thus important to evaluating whether agriculture is being protected or disprotected by commodity or in the aggregate. This aspect of producer support estimates (PSEs) is simple to describe conceptually but difficult to evaluate well empirically. Developing countries may face higher international transport and port costs for imports and exports than developed countries or may have substantial internal handling, transportation and processing costs. Separating these structural effects on farmers from agricultural policy effects that drive a wedge between the domestic farmgate price and an adjusted international reference price requires extensive data and judgments. This Paper discussed about PSE measurement Problems and its Issues in developing Countries especially in Iran.